

## راهبردهای همبستگی در اندیشه شهید مزاری



□ عبدالقیوم آیتی

### چکیده

در این پژوهش، راهبردهای همبستگی در اندیشه استاد شهید عبدالمعلی مزاری مورد کاوش قرار گرفته است. از آنجایی که واگرایی ها در انواع مختلف بین المللی و منطقه ای و در ابعاد گوناگون سیاسی، نظامی، اجتماعی، جغرافیایی، فرهنگی همواره تأثیرات مهمی بر زندگی بشری داشته و به ویژه در افغانستان وجود بحران های سیاسی، بخش بزرگی از ظرفیت های این کشور را به خود اختصاص داده است؛ یافتن الگوی راهبردهای همبستگی بومی، نیازمند بررسی اندیشه رهبرانی است که بحران های فوق را لمس کرده است. به همین جهت پژوهش حاضر در پی یافتن پاسخ این سؤال است که راهبردهای همبستگی در اندیشه شهید مزاری چیست؟

راهبردهای همبستگی فراوانی در اندیشه شهید مزاری وجود داشته که به برخی از آن ها در این مقاله اشاره می شود که عبارت اند از: اتحاد اسلامی، ملت سازی، عدالت اجتماعی و توجه به هویت ملی که آن ها را، به عنوان راهکارهای به وجود آمدن همبستگی ارائه می کند. رسمیت مذهب شیعه در افغانستان و هویت یابی ملی، احیا هویت هزاره ها، الگوی جدید رهبری و مرکزیت پذیری هزاره ها، فرصت سازی و ماندگاری اندیشه و راه شهید مزاری، دستاوردهایی است که رهبری ایشان به ارمغان آورده است.

واژه های کلیدی: شهید مزاری، راهبردها، همبستگی، ملت سازی، هویت مذهبی و هویت قومی.

## مقدمه

وفاق و همگرایی از مهم‌ترین مؤلفه‌های موفقیت یک جامعه است؛ اما این همبستگی در برخی از مقاطع تاریخی افغانستان در اثری سیاست‌های ناسنجیده دچار شقاق و تنش شده است که عدم توجه به خرده‌فرهنگ‌های مختلف و منافع و ارزش‌ها و هنجارهای خاص اقوام و فرهنگ و پایگاه‌های مختلف اجتماعی از مهم‌ترین عوامل این اختلافات دوام دار بوده است؛ بنابراین، در منظومه فکری شهید مزاری، آمده است: «خواست‌های ما، شرکت در تعیین سرنوشت خود، رسمیت مذهب و تأمین عدالت اجتماعی» (مرکز فرهنگی نویسندگان افغانستان، ۱۳۷۱). رهبر شهید، در بحث راهبردهای همبستگی، تنها راه‌حل تنش‌ها و تضادهای گروه‌های قومی را در وفاق، همگرایی و همبستگی ملی می‌داند. با توجه به این‌که اکثر مردم افغانستان مسلمان‌اند و دارای اشتراکات دینی و فرهنگی فراوان‌اند و با اتحاد و هماهنگی می‌توانند در برابر مشکلات مقاومت کنند، یکی دیگر از دغدغه‌های رهبر شهید این بود که ملت‌سازی جایگزین قومیت‌سازی شود و عدالت اجتماعی در اداره حکومت و سهیم شدن همه اقوام ساکن در کشور به ازای جمعیت و نفوسشان رعایت شود. رسمیت مذهب و آزادی عمل به همه پیروان مذاهب اعطا شود و فردی به خاطر مذهب و قومیت خاصی از امکانات دولتی محروم نشود. از این رو، شهید مزاری، راهبردهای هشتگانه همبستگی را در مقیاس افغانستان ارائه می‌کند که این راهبردها در اندیشه شهید مزاری، عبارت‌اند از:

## اتحاد اسلامی

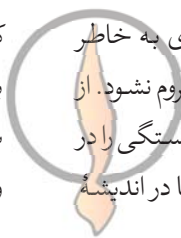
شهید مزاری با گفتار، منش و رفتار خود راهبردهایی را برای همبستگی ارائه کرد، به عقیده او، افغانستان در صورتی می‌تواند امنیت و آرامش را به آغوش بکشد که مردم این کشور به اتحاد اسلامی برسند و پدیده تنوع قومی را با دیدگاه قرآنی می‌توان تحلیل کرد «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» (حجرات: ۱۳) «ای مردم ما شما را از یک زن و مرد

آفریدیم.» یعنی، اگر مسیحی هستی اگر مسلمان اگر یهودی هستی... در خلقت‌تان هیچ تبعیضی نیست... (ضیایی، ۱۳۸۸: ۱۶۸). قرآن، نام بردن از قوم را تأیید کرده است. اگر ما می‌گوییم: هزاره، یا تاجیک یا پشتون یا ازبک، این امر، از نظر اسلام هیچ‌گونه محکومیتی ندارد (مرکز فرهنگی نویسندگان افغانستان، ۱۳۷۳: ۸۴). رهبر شهید، در جای دیگری می‌گوید: «اگر ما بیابیم يك حکومت اسلامی که مردم ما می‌خواهند به وجود آوریم که در آن حق همه ملیت‌ها تعیین شده باشد، این باور، باور درستی می‌باشد» (ضیایی، ۱۳۸۸: ۸۶ و ۸۷).

## ۲. ملت‌سازی

شهید مزاری برای همبستگی و رسیدن به وفاق ملی، ملت‌سازی واحد را به‌عنوان راهبرد رهبری خویش اعلام کرد. رهبر شهید، از جمله رهبران دردمند سیاسی جامعه بود که با منش و رفتار خود به توسعه سیاسی در چوکات ملت واحد افغانستان همت گماشت و بر این باور بود که با کتمان هویت سیاسی و اجتماعی برخی اقوام نمی‌توان تنش‌های گروه‌های قومی کشور را حل کرد. رهبر شهید، معتقد بود که افغانستان در صورتی می‌تواند امنیت و آرامش را به آغوش کشیده و به سوی دنیای جدید، رفاه و آسایش و پیشرفت علم و دانش گام بردارد که مردم این کشور به وحدت ملی برسند و هویت سیاسی یکدیگر را کتمان نکنند و «کلیه ملیت‌های مسلمان این سرزمین (اعم از پشتون، تاجیک، هزاره، ازبک، ترکمن، قزلباش و...) هویت سیاسی داشته باشند و با توافق و شرکت آن‌ها حکومت آینده کشور ساماندهی شود» (غفاری، ۱۳۷۳: ۱۰۱).

تا زمانی که روحیه همگرایی و باور به زندگی مشترک و احترام به شخصیت حقیقی و حقوقی یکدیگر، به خاطر عوامل حقیقی و یا معنوی در بین افراد جامعه احیا نشود، بعید است که ملت واحد و مستقلی در افغانستان شکل بگیرد. شهید مزاری، به این نقطه واقف بود و می‌خواست از طریق رعایت حقوق برابر افراد در جامعه، عرصه را برای ایجاد ملت واحد، انسجام ملی و تأمین حقوق شهروندی آماده سازد و ملتی را به وجود بیاورد که در آن تفاوت‌های زبانی و نژادی مطرح نباشد و «هیچ‌یک از اقوام افغانستان هیچ‌گونه



بنیاد اندیشه  
تاسیس ۱۳۹۴

کسی به خاطر تعلق داشتن به قومی خاصی مورد ستم و بی‌مهری قرار نگیرد و همانند دیگران از حقوق برابر و هویت ملی و سیاسی یکسان برخوردار باشد. این طرز تفکر استاد شهید، محدود به یک قوم، یک فرهنگ، یک نژاد یا یک محدوده سرزمینی خاص نشد، بلکه تفکری فراگیر و جهانی بود که همه تشنگان عدالت و برابری را مخاطب قرار می‌داد.

### ۳. عدالت اجتماعی

شهید مزاری از یک سوی به عنوان انسان آگاه و صاحب‌خرد، از سوی دیگر به عنوان یک فردی که در جامعه ستم‌زده زندگی می‌کند و خود ستم و بی‌عدالتی را تجربه کرده است، شیفتگی و دل‌بستگی عمیق و صادقانه به عدالت دارد. او به خوبی دریافته است که اولین چیزی که بر تمام زخم‌های تاریخی خود و مردمش مرهم خواهد گذاشت، عدالت است. به همین دلیل محور تمام اندیشه‌ها و ایده‌های شهید مزاری و جهت‌گیری‌های سیاسی و مبارزاتی‌اش عدالت به صورت عام و عدالت اجتماعی به گونه خاص است. شهید مزاری، همواره گفته‌ها و ایده‌هایش بر دردها و محرومیت‌های تاریخی و نابرابری‌های اجتماعی مبتنی بود که طی صدها سال، تمام دارایی‌ها و داشته‌های اعضای جامعه را بر باد داده بود و هستی و هویت ملی و اجتماعی آنان را در معرض تهدید قرار گرفته بود.

مزاری شعاری را مطرح می‌کرد که مردم قرن‌ها پیش می‌خواست آن را فریاد بزنند؛ اما نتوانست. بنابراین، ایده‌ها و باورهای شهید مزاری در رگ و ریشه هویت انسانی و مناسبات اجتماعی مردم افغانستان، پیشاپیش موجود بود، شهید مزاری، تنها آن‌ها را شناسایی، اولویت‌بندی و برملا ساخت و برای عبور از بحران همبستگی به عنوان یک راهکار ارائه کرد و ابعاد و گستره عدالت اجتماعی در دیدگاه شهید مزاری عبارت‌اند از:

#### الف. عدالت در ساختار قدرت با استراتژی برد.

یکی از مهم‌ترین مباحثی که در باب عدالت و برقراری عدالت اجتماعی مطرح است بحث توزیع عادلانه منابع قدرت و ثروت است. بر اساس دیدگاه نفع متقابل در باب عدالت

خصومت و دشمنی را با اقوام دیگر نداشته باشد و پشتون‌ها را برادرش بداند و از یک‌ها را برادرش بداند و هزاره را برادرش بداند، همین طور بلوچ و نورستانی و سایر اقوام افغانستان، این‌ها برادرند، این‌ها در یک خانه مشترک زندگی می‌کنند، دست به دست هم بدهند و مشترکاً این خانه خراب و جنگ‌زده خودشان را بسازند و بر این جهت از گذشته کرده، حالا امیدوار هستیم که خصومت‌ها کم شده و به سوی ملت واحد اسلامی پیش می‌رود» (غفاری، ۱۳۷۳: ۱۰۱). اظهار چنین دیدگاه‌هایی نشان می‌دهد که شهید مزاری با درک درست از دردهای تاریخی جامعه افغانستان به سرنوشت مشترک می‌اندیشید و باورمند بود. اگر ما خواسته باشیم سرزمین آباد و متحد و یکپارچه داشته باشیم، باید منطق اصالت زور و حکومت‌هایی که می‌خواهند با زور بر مردم حکومت کنند نابود شود. این دیدگاه ایشان زیرساخت‌های اولیه ملت‌سازی در افغانستان را که برخورداری افراد از حقوق عادلانه در جامعه است، پی‌ریزی می‌کند.

در حوزه ملت‌سازی، استاد شهید، تفکر و اندیشه فرا قومی و فرا جناحی را دنبال می‌کرد؛ بنابراین، روی واژه‌های حکومت ملی، عزت و کرامت ملی، منافع ملی، رعایت حقوق ملیت‌ها، عدالت اجتماعی و... اصرار داشت. چون می‌دانست که این واژگان علاوه بر بار معنوی و مادی‌ای که دارد، در بن‌نشان اندیشه همبستگی و ملت‌سازی نهفته است که می‌تواند بستر خیزش دموکراسی و روی کار آمدن یک حکومت ملی در افغانستان شود؛ زیرا، رهبر شهید، به این واقعیت پی برده بود که امروز جامعه به همبستگی ملی در بین تمام گروه‌های انسانی از همه محکم‌تر است، بدین معنی که در صورت وجود تعارض بین همبستگی چند گروه اجتماعی، علایق ملی بردیگران فائق آمد (عاملی، ۱۳۵۱: ۲۸۵). شهید مزاری اختلاف و نفاق ملی را مانع عمده در راه ایجاد ملت واحد، توسعه سیاسی و گسترش علایق ملی می‌دانست.

شهید مزاری نهایت تلاش خویش را به کار گرفت تا برای مردم افغانستان بفهماند که ما تاریخ، فرهنگ، ملیت و سرنوشت مشترک داریم و این مشترکات اقتضا دارد تا در کنار هم زندگی مسالمت‌آمیز و برادرانه داشته باشیم؛ یعنی در آینده

اجتماعی گفته می شود؛ گروه ها و افراد مختلف در جامعه تنها در صورتی که به منافع متقابل احترام صورت بگیرد عدالت اجتماعی تحقق یافتنی است. از مراجعه به دیدگاه های شهید مزاری چنین می توان استنباط کرد که او، این احترام متقابل و به رسمیت شناختن حقوق همه اقوام و قبایل در کشور را راه حل تضاد و تنش های اقوام می داند؛ اما نکته ای که نباید در این باب از نظر دور داشت این است که بر اساس این تلقی از عدالت اجتماعی، عدالت، زمانی در جامعه تحقق خواهد یافت که همگان از توان چانه زنی های برابر برخوردار باشند و اگر نیستند باید تلاش کنند این توانایی را با در اختیار گرفتن ابزار قدرت و ثروت یا تولید آن، می توان به دست آورد.

شهید مزاری در این زمینه اعلام می دارد که به دنبال عدالت به معنای برتری طلبی قومی و گروهی و همین طور تصاحب حقوق حقه دیگران و تجاوز به حقوق و منافع گروه های قومی نبوده، بلکه به همه گروه های قومی در افغانستان احترام می گذارد و هویت و حقوقشان را به صورت عادلانه به رسمیت می شناسد. «کلیه ملیت های مسلمان این سرزمین [اعم از پشتون، تاجیک، هزاره، ازبک، ترکمن، قزلباش و ...] هویت سیاسی داشته باشند و با توافق و شرکت آن ها در ساختار قدرت، حکومت آینده کشور ساماندهی شود» (مرکز فرهنگی نویسندگان افغانستان، ۱۳۷۳: ۱۵۱).

### ب. عدالت در حقوق شهروندی

ممکن است گاهی چنین استنباط شود که عدالت در اندیشه شهید مزاری بیشتر ناظر بر بحث عدالت در حوزه سیاست، می چرخید در حالی که هرگز این گونه نیست. او عدالت را در یک چارچوب و بستر خیلی فراگیر و گسترده مدنظر داشت، حوزه ای که تمام ابعاد حیات اجتماعی انسانی را دربر می گیرد. در واقع شهید مزاری علاوه بر بحث مشارکت سیاسی عادلانه اقوام، عدالت اجتماعی را در حوزه حقوق شهروندی نیز همواره تأکید می کردند و به برخورداری برابر و غیر تبعیض آمیز شهروندان از حقوق شهروندی تأکید می کردند. شهید مزاری آشکارا از فراهم شدن بستر مناسب برای تحقق عدالت در این زمینه سخن می گوید و به جامعه زنان افغانی، حق انتخاب و

انتخاب شدن را به رسمیت می شناسد. «ما سیستم انحصار را به هر شکل و شیوه آن رد می کنیم و طرفدار شرکت کلیه مردم افغانستان اعم از زن، مرد، پیر، جوان و ... برای تعیین سرنوشت سیاسی شان هستیم این عادلانه نیست که مردان حق دارند که در انتخابات شرکت داشته باشند، ولی زنان از این حق مسلم انسانی اسلامی شان محروم باشند، همه حق دارند که در انتخابات شرکت کنند» (غفاری، ۱۳۷۳: ۳۲).

### ج. عدالت بشری (انسانی)

شهید مزاری عدالت را برای همگان می خواهد و از عدالت اجتماعی، یک برداشت فرا قومی و فرا جناحی، سازگار با واقعیت های فرهنگی، سیاسی و اقتصادی جامعه داشته. او مبارزه با استبداد و خودکامگی را رسالت و وظیفه همگانی می داند و مراحل مبارزات او علیه استبداد و ظلم تنها به افغانستان نیز محدود نمی شود. البته او تا یک مرحله ای به روش های انقلاب و مبارزه سخت معتقد است تا آنجا که پیروزی مجاهدین قطعی می شود و بعد از آن او راهکارهای دیگری را در تحقق عدالت برای همه و شیوه های جدیدی را پیشنهاد می کند (احیای هویت، ۱۳۷۳: ۱۷۱).

شهید مزاری یکی از شخصیت های برجسته ای بود که برای اجرای عدالت اجتماعی و دفاع از حقوق شهروندان جان خود را فدای مردم کشورش کرد که همیشه تأکید می کرد: «با برادری زندگی بکنند. این افغان باشد، تاجیک باشد، ازبک باشد، همه برادرند حقوق مساوی می خواهیم» (همان: ۱۴۷). در بیانی دیگر نیز تأکید می کند «ما مردم افغانستانیم هیچ نژادی را نمی خواهیم نفی کنیم. ترکمن است، هزاره است، تاجیک است، افغان است، ایماق است و دیگر اقوام هستند. همه آن ها بیایند در این مملکت برادروار زندگی کنند و هر کس به حقوقشان برسند» (همان: ۳۳).

### د. عدالت با رویکرد اسلامی

در قرائت طالبانی از شریعت و عدالت هر آنچه را که یک مولوی عدالت بداند عدالت است و غیر آن ظلم، اما به باور شهید مزاری عدالت می تواند شریعت را از ابزار در دست

مگر می شود قیام کرد... امپراتوری دوم قد علم کرد، دنیا که بسیار وحشتناک بوده هفتاد سال دور خاک روسیه را زنجیر کشیده بودند و دیوار آهنین درست کرده بودند که دنیا از روسیه و مردم روسیه خبر نداشته باشد... در هر نقطه ای که ارتش سرخ پا گذاشت و اشغال کرد دوباره برنگشت... روزی که در این سرزمین پا گذاشتند و اشغال کردند دنیا مایوس شده بود از افغانستان، در فکر افغانستان بودند برای نجات پاکستان و خلیج فارس و ایران پول مصرف می کردند، ۱۴ سال مجاهدت شما، خون شهدای شما، بازوی پرتوان مجاهدین شما، تغییرات بزرگی در دنیا به وجود آورد» (غفاری، پیشین: ۱۵۰).

در جای دیگر، رهبر شهید، چنین می فرماید: «مردم قهرمان افغانستان نه تنها افغانستان را آزاد کرد که نصف جهان را آزاد کرد، اروپای شرقی را آزاد کرد آن ها مرهون مبارزه مردم افغانستان است که به آزادی رسیدند، آسیای میانه آزاد شد، خود مردم قبول کردند» (غفاری، پیشین: ۵۰). در اندیشه شهید مزاری، دین اسلام، موجب انسجام، اتحاد و همدلی مردم افغانستان می شود و هم یک عامل تأثیرگذار در هویت ملی و ایجاد و بقا و استمرار آن است و در همین راستا است که شهید مزاری مسئله رسمیت هر دو مذهب اسلامی یعنی سنی حنفی و شیعه جعفری را جزء مطالبات اساسی خود و حزب وحدت می شمارد. شهید مزاری در این باره می فرماید: «ما می گوئیم که باید هر دو مذهب تشیع و تسنن در قانون اساسی افغانستان رسمیت پیدا کند» (مصاحبه رهبر شهید: ۱۳۷۱).

معلوم است که شهید مزاری اعتقاد به کارآمدی دین اسلام در عرصه های اجتماعی دارد و از جمله کارکردهای بسیار اساسی دین اسلام را عامل پیوند دهنده اقوام در کشور می داند. شهید مزاری در همین رابطه بارها تأکید می کرد که دین اسلام، دین نجات بخش است و می تواند به عنوان حبل المتین جامعه چند قومی افغانستان قرار گیرد و باید از هویت اسلامی جامعه افغانستان حفظ و صیانت شود و ایشان اعتقاد به اسلامی داشت که با عقلانیت، وحدت ملی و افتخارات فرهنگی و تمدنی جامعه افغانستان، در تعارض نباشد، ایشان می فرماید: «ما تابع سیاست اسلامی هستیم امیدواریم که در افغانستان سیاست اسلامی را پیاده کنیم تا

حاکمیت های استبدادی خارج و به ابزار مدافع منافع و حقوق مدنی شهروندان تبدیل کند. بنابراین هر ایده دینی می باید از عدالت رنگ پذیرد. اگر شریعت از مسیر عدالت نگذرد و چهره غیر عادلانه یا ضد عدالت به خود بگیرد مردم نه تنها مسئولیتی در برابر چنین شریعتی ندارد، بلکه حق مقابله با آن را نیز به دست خواهد آورد؛ زیرا، در این صورت شریعت با تأثیر پذیری ارزش ها و افکار، دیگر ماهیت مردمی و الهی خود را از دست خواهد داد و راه را برای شریعت گریزی یا حتی شریعت ستیزی مردم نیز هموار خواهد کرد. در واقع شهید مزاری این را نمی پذیرد که هر کسی یا گروهی که هرم قدرت را در اختیار گرفت، مظهر عدالت و حقانیت است و دیگران باید همه از او و هر آنچه او خواست اطاعت کند.

چنانچه در گذشته چنین بوده و اقوام در افغانستان به جرم تمرّد از مجری به اصطلاح عدالت و حکم الهی از دم تیغ گذرانده شده و قتل عام می شدند. طرح ایجاد دولت چند قومی مزاری در یک ساختار فدرال که همه در آن سهم مبتنی بر عدالت و ارزش های اسلامی داشته باشد به همین دلیل است. او آشکارا اعلام می دارد که: «ما معتقدیم حکومت آینده نباید روی مذهب (قرائت و یا مذهب خاص) و نژاد به وجود بیاید. در حکومت آینده همه به حقوق خود برسند و ما معیار نفوس را که یک معیار بین المللی [عقلانی] است معتبر میدانیم» (غفاری، ۱۳۷۳: ۲۴۱).

#### ۴. هویت ملی

شهید مزاری اصرار داشت که کل مردم افغانستان، زیر چتر نام افغانستان جمع شده و به یک انسجام ملی برسند و جغرافیای افغانستان و نام آن به نحوی باید مطرح شود که همگان به آن افتخار کنند و احساس تعلق و وابستگی به کشور در وجود فرد افغانستانی به وجود آید. رهبر شهید درباره افغانستان و افتخارات دوران جهاد، می فرمایند: «جهان مشاهده کرد که در این سرزمین قهرمان پرور، شوروی شکست خورد، دنیا دید آن وقتی که انگلیس آمد، سرزمین افغانستان را اشغال کرد و مردم قهرمان، شجاع و شهید پرور و اسلام دوست و قرآن خواه وقتی قیام کردند دنیا حیران بودند که در مقابل امپراتوری انگلیس،

افغانستان اسلامی متکی به هیچ کشور و شخصی نباشد» (هفته نامه وحدت، ۱۳۶۹: ۱۶).

شاه بیت کلام شهید مزاری درباره دین اسلام به عنوان یک عامل هویت ساز ملی این است که ما باید حکومت، قانون اساسی و ساختار سیاسی اجتماعی جامعه را بر اساس آموزه های اسلامی شکل بدهیم و اسلام، می تواند، هویت ملی ما را تضمین کند و از تضادهای قومی جلوگیری نماید (همان).

### ۵. تثبیت جایگاه گروه های قومی

شهید مزاری در مورد جایگاه و احیای حقوق اقوام طی سخنرانی در اجتماع مردم کابل چنین بیان می کند: «برای همه احزاب و ملیت ها احترام قائلیم و برای همه حق مساوی طبق نفوسشان می خواهیم». (مرکز فرهنگی نویسندگان افغانستان، ۱۳۷۳: ۱۴۸). شهید مزاری، در واقع نه تنها احیاگر هویت برای جامعه هزاره و شیعه بود، بلکه احیاگر هویت برای تمام اقوام محکوم در کشور به حساب می آید. ایشان مردم افغانستان را به این حقیقت رساند که هزاره ها، ازبک ها، ترکمن ها، ایماق ها، تاجیک ها و پشتون ها در این سرزمین حق دارند و باید برادروار در سرنوشت کشور و در حاکمیت شریک و سهیم باشند. استاد شهید، در یکی از سخنرانی هایش می گوید: «ما مردم افغانستانیم هیچ نژادی را نمی خواهیم نفی کنیم. ترکمن است، هزاره است، تاجیک است، افغان است، ایماق است و دیگر اقوام هستند. همه آن ها بیابند در این مملکت برادروار زندگی کنند، ما نیاز به این همبستگی داریم» (همان: ۲۱ و ۳۳).

### ۶. احیای هویت و رسمیت مذهب شیعه

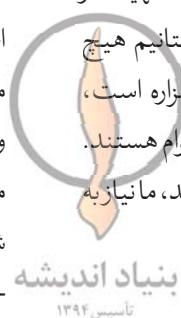
شهید مزاری می خواست در سرزمین افغانستان که خانه مشترک همه افغانستانی ها است، همه اقوام از مذاهب مختلف در زیر پرچم اسلام، همه به همدیگر احترام بگذارد. هیچ قوم، قوم دیگری را و مذهبی دیگری را حق ندارند انکار بکنند چون که با زور اسلحه نمی توان مذهبی را نفی و نابود کرد و بنابراین، شهید مزاری بارها اعلام کرد که باید مذهب و هویت شیعیان هم به رسمیت شناخته شود و کسی حق

انکارش را ندارد گرچه در طول حکومت های ظالم گذشته بر ما ظلم های زیادی شده است (ضیایی، ۱۳۸۸: ۲۶۹).

«ما عاشق قیافه کسی نیستیم، سه چیز در این مملکت در آینده می خواهیم: ۱. رسمیت مذهب ما. ۲. تشکیلات گذشته ظالمانه بوده و باید تغییر کند. ۳. شیعه در تصمیم گیری شریک باشد» (مرکز فرهنگی نویسندگان افغانستان، ۱۳۷۳: ۷۵). از مطالبات شهید مزاری این بود که در افغانستان مذهب شیعه را به رسمیت بشناسند و به شیعه ها اجازه بدهند که در حکومت و تصمیم گیری شریک و سهیم باشند و تا آخرین لحظه هم بر این مطالبات تأکید داشت. شهید مزاری طی مصاحبه با رادیوی بی سی، چنین می گوید: «حزب وحدت، سیاست اصولی و ثابتی دارد و معتقد است تا تمام ملیت ها، اقوام و مذاهب در تصمیم گیری شریک نباشند، معضل حل نخواهد شد» (ضیایی، ۱۳۸۸: ۲۸۳). دو مفهوم هزاره و تشیع در نظام فکری ایشان مفاهیم مترادف به شمار می رفت و آزادی های فکری و فرهنگی نمی توانست از آزادی های اجتماعی قابل تفکیک باشد.

### ۷. کثرت گرایی فرهنگی

شهید مزاری از طریق راهبرد کثرت گرایی فرهنگی در پی احیای همه اقوام ساکن در کشور مخصوصاً هویت مذهبی و ملی بود. کثرت گرایی فرهنگی به این معنا است که همه اقوام و مذاهب با فرهنگ های مختلف بدون هیچ گونه تبعیض و محدودیت قانونی به حیات اجتماعی خود ادامه دهند. شهید مزاری با درک این واقعیت که جامعه افغانستان یک جامعه متکثر است و اقوام مختلف با فرهنگ های گوناگون در آن زندگی می کنند و امکان دارد که دموکراسی اکثریت با چالش های فراوانی رو به رو شود، بحث ها و در نهایت کشمکش های فراوانی درباره اکثریت و اقلیت بروز کند، چنانچه شواهد تاریخی افغانستان مؤید همین مطلب است، بحث دموکراسی چند قومی و بالاخره کثرت گرایی فرهنگی را مطرح کرد. شهید مزاری، در این باره می فرماید: «حل مسائل افغانستان از طریق جنگ اشتباه است، باید مشکل افغانستان از راه تفاهم و پذیرفتن واقعیت های افغانستان حل شود»



(ضیایی، ۱۳۸۸: ۲۳۳).

مزاری از تکثرگرایی فرهنگی به مفهوم درست کلمه دفاع می‌کرد و نسبت به دوقطبی شدن جامعه بین دو جریان قومی به شدت هشدار می‌داد و برای حل بحران فرهنگی همواره تأکید می‌ورزید که در نظام آینده کسی تعصب نژادی و مذهبی را به کار نبرد، برداشت او از روابط فرهنگی قومیت‌های کشور این بود که «هرکه در این مسئله پافشاری می‌کند که مذهب رسمی باید مذهب حنفی باشد و مذهب جعفری رسمیت نداشته باشد. این یک تصور غیر عادلانه است و درست نیست» (واعظی، ۱۳۷۸: ۸). همان‌طور که ملاحظه می‌شود، ایشان همگان را به پذیرش واقعیت‌های اجتماعی افغانستان دعوت می‌کند که خود این پذیرش واقعیت در واقع یک نوع پذیرش کثرت و تنوع فرهنگی است.

## ۸. مدارا و دیگر پذیری

راهکار دیگر شهید مزاری برای رسیدن به همبستگی ملی، مدارا و دیگر پذیری است. ایشان درباره تساهل و دیگر پذیری می‌گوید: «در اینجا مسئله افغانستان وقتی حل می‌شود که مردم و احزاب همدیگر را تحمل نکنند، درصدد حذف یکدیگر نباشند. چه از نگاه اقوام چه از نگاه احزاب، چه از نگاه مذاهب. روش حزب وحدت این است که با کسی جنگ نداریم، برای همه احزاب و ملیت‌ها احترام قائلیم و برای همه حق مساوی طبق نفوسشان می‌خواهیم و بر همین اساس برای مردم خود حق می‌خواهیم. راه حل برای افغانستان تفاهم است نه حذف یکدیگر. بنابراین، هرکسی که می‌آید در اینجا برای حذف یک ملت و برای حذف یک تنظیم فعالیت می‌کند سخت اشتباه می‌کند. هرکس روی تمامیت ارضی افغانستان، وحدت ملی افغانستان فکر کند کسی را حذف نکنند. من می‌گویم هرکس برای نفاق و دشمنی ملت‌ها حرف بزند، خائن ملی افغانستان است» (مرکز فرهنگی نویسندگان افغانستان، پیشین: ۱۴۶ و ۱۴۸).

## نتیجه‌گیری

از اندیشه شهید مزاری در ارائه راهبردهای همبستگی چنین به دست می‌آید که میزان پابندی مردم به راهبردهای همبستگی در از بین بردن تعارضات و شکاف‌های به وجود آمده در جامعه، تأثیرگذار است و از این رو، رهبر شهید برای حل تعارضات و شکاف‌هایی در عرصه‌های مختلف راهبرد راهکارهایی را برای وفاق و همبستگی ملی سنجیده است که عبارت‌اند از: اتحاد اسلامی، ملت‌سازی، عدالت اجتماعی در حوزه‌های مختلف و توجه به هویت ملی، تثبیت جایگاه اقوام، احیای هویت و رسمیت مذهب را، به عنوان راهکارهای به وجود آمدن همبستگی ارائه می‌کند.

## منابع

۱. مرکز فرهنگی نویسندگان افغانستان (۱۳۷۳)، احیای هویت، مجموعه سخنرانی‌های استاد شهید، قم: سراج.
۲. واعظی، حمزه (۱۳۷۸)، زنده‌تر از تو کسی نیست، قم: کمیسیون فرهنگی هفته‌نامه حزب وحدت.
۳. ضیایی، رضا (۱۳۸۸)، چراغ راه، بنیاد فرهنگی رهبر شهید در اروپا.
۴. طنین، ظاهر (۱۳۸۴)، افغانستان در قرن بیستم، ج ۲، تهران: نشر عرفان.
۵. دلیری، سینا (۱۳۸۳)، نقش و مقام روشنفکران در جامعه - جایگاه روشنفکران افغانستان در پایداری صلح، ج ۱، دیوشتیچ.
۶. عفراری لعلی، عبدالله (۱۳۷۳)، فریاد عدالت، قم: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی و آموزشی شهید سجادی.
۷. عاملی، حشمت‌الله (۱۳۵۱)، مبانی علم سیاست، ج ۱، انتشارات ابن سینا.
۸. مصاحبه رهبر شهید با رادیو فرانسه، ۲۷/۲/۱۳۷۱.
۹. هفته‌نامه وحدت، شماره ۱۲/۹/۱۳۶۹.
۱۰. www.babamazari.com